

بررسی مقایسه‌ای جناس‌های لفظی و مرکب در زبان‌های روسی و فارسی

علی مدائینی اول*

استادیار گروه روسی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی دانشگاه تهران، ایران

مژده دهقان خلیلی**

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش زبان روسی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی دانشگاه تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۸۸/۲/۲۲، تاریخ تصویب: ۸۸/۵/۱۰)

چکیده

منظور از واژه آرایبی با واژه‌های همگون، این است که این گونه واژه‌آرایبی بر دو یا چند پایه واژگانی استوار است که به گونه‌ای چشمگیر با هم، هم‌گونند. به این مفهوم که در ریخت، ساخت، آهنگ و... شبیه یکدیگرند. دو واژه «همگون» را دو پایه جناس می‌نامیم. پیداست که این گونه واژه‌ها در عین این که از یک سو همگونی دارند ناگزیر باید از سویی دیگر ناهمگونی و دوگانگی داشته باشند، در غیر این صورت دو یا چند واژه نخواهند بود و به عنوان یک کلمه با معانی متفاوت در نظر گرفته می‌شوند. از این رو با تکرار واژگان، یعنی استفاده از دو واژه همگون (دو پایه جناس) آهنگی پدید می‌آید که سبب شکوفایی و تجلی بلاغت می‌شود و که فراتر از زیر و بم کلمات است. جناس در زبان‌های روسی و فارسی دارای گونه‌های متفاوتی است که این گونه‌های متفاوت بر اساس دوگانگی متفاوت دو پایه جناس پدید می‌آیند و هر گاه این دو واژه علاوه بر هم‌گونی، دارای دوگانگی نوشتار باشند، با یکدیگر جناس لفظی و هر گاه دوگانگی ساختاری باشد، جناس مرکب محسوب می‌شوند. در این مقاله سعی بر این است که با بررسی دلایل وجود آمدن جناس‌های لفظی و مرکب در زبان‌های روسی و فارسی، این واژگان را برای خوانندگان ملموس‌تر و قابل درک‌تر کنیم.

واژه‌های کلیدی: بلاغت، جناس لفظی، جناس مرکب، واژه‌های هم‌آوا، جناس مرفو، واژه‌های همگون.

*تلفن: ۰۲۱-۶۱۱۱۹۱۳۷، دورنگار: ۰۲۱-۸۸۶۳۴۵۰۰، E-mail: amadayen@ut.ac.ir

**تلفن: ۰۲۱-۴۴۸۲۶۷۹۶، دورنگار: ۰۲۱-۸۸۶۳۴۵۰۰، E-mail: mojde2432@yahoo.com

مقدمه

«در علوم عقلی و منطقی همه جناس^۱ را موضوعی مورد بحث و گفتگو است. بدین معنی که جناس را اتحاد در جنس گفته اند، مانند انسان و اسب که در حیوان بودن اتحاد دارند و این جنس، قریب آنهاست.» (تجلیل ۱۵)

واژه جناس در زبان فارسی از مصدر لازم باب مفاعله (مجانست) از زبان عربی به معنای همگونی و همانندی و در زبان روسی واژه ОМОИМ (به معنای هم‌نام) (از کلمات homos به معنای یکسان و onyma به معنای نام) از زبان یونانی برگرفته شده است.

برخی از نویسندگان همچون میر جلال‌الدین کزازی در کتاب‌های خود، گاهی از واژه تجنیس به معنی مانند هم شدن نیز به جای واژه جناس استفاده می‌کنند. (کزازی ۳۳)

برای جناس در زبان فارسی تعاریفی بیان شده است که برخی از آن‌ها همه انواع جناس را در بر نمی‌گیرند به همین دلیل تعریف جامعی محسوب نمی‌شوند. برای مثال: جناس تشابه دو لفظ است در تلفظ. که این گونه تعریف‌ها برای جناس تعریف کاملی نیستند و اما تعریف کامل برای این واژه این چنین است: اختلاف در معنی با حفظ همانندی یا همانندی گونه‌ای در لفظ. (تجلیل ۱۷-۱۸) این دو کلمه همانند، ابهام و ایهام، همگونی لطیفی را در کلام بوجود می‌آورند.

هم در زبان روسی و هم در زبان فارسی گونه‌های متفاوتی از جناس، مانند جناس تام، جناس ناقص، جناس لفظی، جناس مرکب و ... وجود دارد که در این نوشته تنها دو گونه از آنها را در این دو زبان، بررسی می‌کنیم.

واژه‌های متجانس در بسیاری از زبان‌ها مورد استفاده و بررسی قرار گرفته و می‌گیرند. یکی از عواملی که سبب شده است به بررسی این دو گونه جناس بپردازیم، این است که بنابر آمار تحقیقاتی، تعداد جناس لفظی و پس از آن جناس مرکب در اکثر زبانها بیشتر است. (مالاخوفسکی ۱۹۰)

اما از آنجا که در زبان فارسی جناس تام و در زبان روسی واژگان هم‌نام لغوی، بیشتر در کتاب‌ها و مقالات مختلف مورد بررسی قرار گرفته اند، تلاش بر این است که در اینجا به

۱- جناس: jeans. (مصدر لازم). همانند بودن. همانندی. همگونی. هم‌جنس بودن. در بدیع، آوردن دو یا چند واژه هماوا، متفاوت معنی است. مجانست: mojânesat. (اسم مصدر): همجنسی. مانندگی. توجه کنیم که منظور از همجنسی، هم‌جنس بودن در شکل و تلفظ است.

بررسی جناس‌های لفظی و مرکب پردازیم.

بحث و بررسی

جناس لفظی در زبان‌های روسی و فارسی

جناس لفظی جناسی است که دو واژه همگون در تلفظ یکی باشند، لکن در نوشتن اختلاف داشته باشند. (تجلیل ۵۰)

فخرالدین اسعد گوید: چرا از دوستان دل برگرفتی چرا از دشمنان دلبر گرفتی در این بیت آنچه سبب دوگانگی نوشتاری و دیداری شده است، همان فعل‌های «برگرفتی» و «گرفتی» است که در مصرع اول فعل مرکب و در مصرع دوم فعل ساده است اگر چه ترکیب «دل برگرفتی» و «دلبر گرفتی» دارای تکیه یکسانی نیستند، اما تلفظ یکی است. اما در زبان روسی نیز این گونه جناس که دارای تکیه متفاوتی‌اند، وجود دارند و омограф نامیده می‌شود که از کلمات homos به معنی یکسان و grapho به معنی می‌نویسم برگرفته شده است. (بلاشاپکوا ۲۵۷) برای مثال: (در هوا بال‌ها را بی‌حرکت نگاه داشتن) парить (در معرض بخار قرار دادن) парить (لیبدووا ۱۴) اما از آنجا که هدف از این نوشته بررسی این گونه جناس نیست، در اینجا به بررسی دلایل آن نمی‌پردازیم، اما آنچه توجه ما را به خود جلب کرده است، این است که این گونه جناس در زبان فارسی به صورت جداگانه مورد بررسی قرار نمی‌گیرد، زیرا تکیه در زبان فارسی چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد، اگر چه نباید چنین باشد، زیرا تکیه در زبان فارسی، همانند زبان روسی، اهمیت دارد و ابزاری برای بیان معنای لغوی و دستوری به شمار می‌آید. در واقع این گونه از جناس در زبان فارسی نه به عنوان گونه‌ای جداگانه، که فقط در گونه‌های دیگر مشاهده می‌شود.

در زبان روسی نیز چنین جناس‌هایی لفظی در طنزهای ملی وجود دارد. (رزن‌تال ۱۴):

«Я в лес¹, и он влез¹, я за вяз², а он завяз²» В. Даль
وارد شد، من به پشت درخت رفتم و او هم پیداش شد. [vles]¹ [zāviās]²

«Лет до ста расти вам без старости» (سن ما به صدسالگی می‌رسد و از پیری

خبری نیست)

در زبان روسی جناس لفظی (омофон) با نام کلمات هم‌آوا خوانده می‌شود که از کلمات homos به معنی یکسان و phone به معنی صدا برگرفته شده است. و نمونه‌های دیگری

از همگونی کلمه با دیگر کلمات:

немой [nemoj] (نه مال من) - не мой (کر و لال)

сутками [sutkāmi] (با اردک‌ها) - с утками (روزها)

Веснушкам нет сноса [snosā] کک و مک‌ها رفتنی نیستن

Не исчезают с носа [snosā] از روی بینی از بین نمیرن

Я, не жалея мыла [milā] من دلم برای صابون نمی‌سوزه

Нос нетерпливо мыла [milā] بینی‌رو با بی‌صبری می‌شویم

Зависело б от мыла [otmilā] بستگی به صابون داشت

Веснушки я б отмыла [otmilā] که من کک و مک‌ها را بتونم از بین ببرم

در متون، نویسندگان این نوع کلمات هم‌آوا را برای بلاغت متن، بسیار مورد استفاده قرار می‌دهند. (سازونووا ۱۶):

Иной слыша слово ворон¹, Поймает ухом вор он¹, вор он¹, Заслыша...² «вора бей!»...²...
دیگه‌ای می‌شنوه یعنی می‌شنوه اون دزده اون دزده، در حالی که کلمه گنجشک رو را اشتباه می‌شنوه بلند فریاد میزنه: دزد را بزیند. [vāron]¹ [vārābey]²

Рыбаки ловили рыбу ели с ухой (ماهیگیرها ماهی صید کردند با سوپ ماهی خوردند)

Рыбаки ловили рыбу ели сухой (ماهیگیرها ماهی صید کردند و آن را خشک خوردند)

در اینجا کلمات (сухой), (с ухой) با تلفظ [suxoj] در زبان روسی جناس لفظی محسوب می‌شوند.

نمونه‌های دیگری از این نوع جناس در زبان فارسی به صورت زیر است:

دیدي آن ترک ختا، دشمن جان بود مرا گر چه عمری به خطا، دوست خطابش کردم

«فرخی یزدی»

چو شاخ کوتاه اگر میوه‌دهی به از آن که سرو باشی و باشی سمر بی‌ثمری

«شوریده شیرازی»

دو کلمه خطا و ختا از این رو به یک صورت تلفظ می‌شوند که حروفی که در زبان فارسی به چند صورت نوشته می‌شوند، تلفظی یک گونه دارند، همانند: ت، ط و ذ، ز، ظ و ث، س، ص و ح، ه که این گونه حروف سبب یکسان تلفظ شدن کلماتی همچون ختا، خطا و غربت، قربت و صبا، سبا و حبه، هبه در زبان فارسی توسط فارسی‌زبانان می‌شود. یعنی در

برخی واژه‌ها یکی از واج‌ها به گونه‌ای و در برخی دیگر به گونه‌ای دیگر نوشته می‌شود. یکی از دلایل این مسئله این است که زبان فارسی نیز دارای کلماتی است که از زبان‌های دیگر وارد این زبان شده‌اند. یکی از آن‌ها زبان عربی است که دارای حروف ذکر شده در بالا با تلفظ‌های متفاوت است، اگرچه زبان فارسی پس از وامگیری این‌گونه کلمات، آن‌ها را مطابق با قوانین آوایی زبان خود تلفظ می‌کند و به همین دلیل در تلفظ این‌گونه کلمات در زبان فارسی تفاوتی مشاهده نمی‌شود (محبتی ۷۲).

در زبان روسی یکسان تلفظ شدن دو حرف ممکن است به دلیل بی‌زنگ شدن حروف صامت زنگ‌دار در انتهای کلمه و یا پیش از حرف صامت بی‌زنگ دیگر باشد. (پتکویچ ۲۵) مانند کلمات زیر:

луг (چمن) - лук (پیاز) [luk] ,
 молот (چکش) - молод (جوان) [molāt] ,
 вести (بردن، آوردن سواره) - везти (بردن، آوردن به همراه) ,
 изморозь (باران بسیار ریز) - изморось (برف‌ریزه) ,
 дужка (در مورد شخص خوشایند) - душка (جسم کوچکی به شکل قوس مانند) ,
 гриб (قارچ) - грипп (گریپ) [grip] ,
 плод (ثمر) - плот (کلک، فریب) [plot] ,
 мог (توانست) - мок (خیس شد) [mok] ,
 стог (کومه) - сток (ریزش) [stok] ,
 рог (شاخ) - рок (تقدیر) [rok] ,
 роз (شبنم) (در حالت اضافی ش.ج.) - рос (گل سرخ) (در حالت اضافی ش.ج.) ,
 порог (درگاه) - порок (عیب، نقص) [pārok] ,
 струг (سطر) (در حالت اضافی ش.ج.) - строк (جدی) (فرم کوتاه) ,
 труд (کار، زحمت) - трут (فتیله) [trut] ,
 дог (نوعی سگ) - док (تعمیرگاه کشتی) [dok] ,
 столб (در معماری به معنای برجک، ستون) - столп (تیر، ستون) [stolp] ,
 пруд (برکه) - прут (میله) [prut].

(رفورماتسکی ۵۶)

گاهی جناس لفظی در بدیع بدین دلیل است که یکی از پایه‌ها در نوشتار حرفی افزون

دارد - حرفی که نوشته میشود و خوانده نمی‌شود. - (هم در زبان فارسی و هم در زبان روسی) (تجلیل ۸۹) برای مثال:

بنشست به جای و فتنه‌ها را بنشانند چون خواست قیامت شود از جا برخاست
«جلال همایی»

و یا در کلمات خوار و خار در بیت زیر:

سنبل بر طره‌ات به تاب است گل پیش رخت چو خوار، خار است

و در جمله زیر نیز کلمات خرد و نخورد:

صاحب توکل غم کلان و خرد نخورد و حریص هرگز صرفه از زد و برد نبرد

«دره نادری»

در زبان روسی نیز در صورت تجمع تعدادی صامت بین مصوت‌ها، یکی از صامت‌ها تلفظ نمی‌شود که یکی از آن تجمع‌های صامت ВТСВ و در موارد نادرتر ФСТВ می‌باشد. (اوژگف ۹) برای مثال:

шефствовать – шествовать («رفتن» در سبک والا) [šhestvavat]

در صفت‌های مذکر در حالت اضافی مفرد نیز به دلیل تلفظ [B] به جای تلفظ [Г] دو کلمه زیر، واژگان هم‌اوا محسوب می‌شوند:

острого (شدید، تیز) (حالت اضافی مفرد صفت) - острова (جزیره) (حالت اضافی

مفرد اسم) [ostrava] حرف "ц" در زبان روسی ترکیبی از دو حرف است، به همین دلیل دو کلمه زیر در این مقوله قرار می‌گیرند (رزنتال ۳۹).

[brātsā] (در زبان محاوره به معنای پسر، رفیق) (حالت اضافی) браться (گرفتن) -

братца

یکی دیگر از عواملی که در زبان روسی برای ایجاد جناس لفظی یا آوایی وجود دارد، آن است که مصوت‌هایی همچون eوo در موقعیت بدون تکیه به گونه‌ای دیگر تلفظ می‌شوند که سبب همگون شدن دو کلمه می‌شود. (شملاف ۶۷)

бачок (پهلوی کوچک) - бочок (باک کوچک) [bāchok]

волы (گاوه‌های نر) - валы (میل‌ها) [vāli],

старожил (محافظت کرد) - сторожил (شخصی که مدت زیادی جایی زندگی می‌کند) [stārāzhil],

барон (ماله) (حالت اضافی ش.ج.) - барон (لقب درباری) [bāron],

[dolgā] (وظیفه) (حالت اضافی مفرد) - долга - (طولانی) (صفت خشتی فرم کوتاه) долго,
[lisā] (جنگل) (شمار جمع) - леса - (روباه) лиса,
[prītvāriātsā] (وانمود کردن) - притворяются - (جامه عمل پوشیدن) претворяются,
[pālāskāt] (کمی نوازش کردن) - поласкать - (شستن) полоскать,
[zālīzat] (با لیسیدن تمیز کردن) - зализать - (بالا رفتن) залезать.
(گرگ خاکستری در جنگل انبوه лесу Серый волк в густом
[lisu] روباه حنایی رنگ را دید.) Встретил рыжую лису

در زبان فارسی نیز می‌توان به چنین عاملی اشاره کرد. برای مثال در بیت زیر:

تا چند به طراری، ما را به زبان و دل یک بار بلی گفتن، صد بار بلا کردن

«سنایی»

کلمات بلی و بلا جناس لفظی محسوب می‌شوند، چرا که حرف «ی» در کلمه بلی طبق قوانین دستور فارسی همانند کلمه یحیی به صورت حرف «الف» تلفظ می‌شود و به لحاظ تلفظ همانند کلمه بلا می‌شود.

در زبان روسی کلمات متجانسی وجود دارند که به واسطه انطباق کلمه اختصار تازه پدید آمده با کلمه آشنای موجود در زبان بوجود می‌آیند. مثال:

[āist] (لک لک) - аист - (ایستگاه اطلاعاتی اتوماتیک) АИСТ

در چنین مواردی نیز می‌توان از جناس لفظی یا کلمات هم‌آوا سخن به میان آورد، زیرا نوشتار کلمه اختصاری از نوع نوشتن کلمه‌های موجود در زبان متفاوت است و در عین حال این تفاوت نوشتاری اتفاقی نیست، زیرا به هنگام ساختن واژه‌های اختصاری به منظور اجتناب از اشتباه فهمیده شدن آن‌ها، از حروف بزرگ برای نوشتن این نوع واژه‌ها استفاده می‌شود. (رزنتال ۴۱) حتی برخی اسامی اشخاص نیز با واژه موجود در زبان جناس لفظی تشکیل می‌دهند. مثال: (شیر) Лев, (اسم خاص) Лев. (نیکالنکو ۱۲۵)

این گونه از جناس لفظی در زبان فارسی وجود ندارد، زیرا حروف بزرگ و کوچک در زبان فارسی وجود ندارد و تنها حروف چسبان و غیرچسبان وجود دارد که آن‌ها را می‌توان در جناس مرفو بررسی کرد.

جناس مرکب در زبان‌های روسی و فارسی

جناس مرکب یا ترکیب، آن است که یکی یا هر دو کلمه متجانس مرکب باشد و یا به

عبارت دیگر کلمه‌ای مفرد و دیگری مرکب باشد. مثال:

سرو بالایی که دارد بر سر سرو آفتاب آفت دل‌هاست و اندر دیدگان زان آفتاب

(تجلیل ۳۹)

می‌توان گفت در چنین کلماتی در زبان فارسی دوگانگی پایه‌ها در ساختار آن‌هاست مثلاً یکی از آنها تک تکه (بسیط) و دیگری چند تکه (مرکب) باشد و یا هر دو چند تکه باشند اما با ساختاری جداگانه. از آنجایی که در این مقاله ما از دید زبان‌شناسی واژه‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم، مرکب یا بسیط بودن واژه‌ها در نظر گرفته شده است و گرنه در بدیع این امر مورد توجه نیست و به همین دلیل حتی گاهی جناس مرکب را به گونه‌های زیر تقسیم نمی‌کنند. پیداست که این گونه واژه‌ها بر پایه دوگانگی ساختاری، دوگانگی تکیه‌ای نیز خواهند داشت به همان‌گونه گاهی دوگانگی نوشتاری نیز. همچنین پایه چند تکه گاه یک واژه است - واژه مرکب - و نقش دستوری یگانه‌ای دارد و گاه چند واژه است و چند نقش دستوری جداگانه دارد (شمیسا ۴۰).

این گونه جناس در زبان فارسی، جناس مرکب نامیده می‌شود و به سه نوع تقسیم می‌شود:

الف - مقرون: آنجا که پایه‌ها سیمای املائی یکسانی داشته باشند (یکی از دو واژه همگون مرکب باشد، دیگری بسیط). مانند واژه‌های بهشت (فردوس) و بهشت (رها کرد) در این بیت حافظ:

نه من از پرده تقوا به در افتادم و بس پدرم نیز بهشت ابد از دست بهشت
یکی شاهدی در سمرقند داشت که گفتی به جای سمر، قند داشت

«سعدی»

در زبان روسی نیز دلایل پدید آمدن جناس‌ها، متفاوت است یکی از آنها روند ساخت کلمه است.

وینوگرادوف گونه‌های متفاوتی از جناس‌های واژه‌سازی را ارائه می‌دهد، یعنی کلماتی که بر اثر واژه‌سازی با یکدیگر مشابه شده‌اند که یکی از این دسته‌بندی‌ها در زبان روسی، قابل مقایسه با جناس مقرون مرکب فارسی است. در زبان روسی نیز کلماتی وجود دارند که به کمک تکواژهای متفاوت ساخته شده‌اند، یعنی به لحاظ معنایی و صرفی به گونه‌ای متفاوت با بن ساخته شده از آن در ارتباط‌اند و در نتیجه تجزیه‌پذیری تکواژی آن‌ها یکسان نیست. مثال:

бумажник (кошелек для бумага) образовано от бумага при помощи суффикса -

ник-, (کیف بغلی) [bumāzhnik]

бумажник (работник бумажной промышленности) от бумажный при помощи суффикса -ик-, (کارگر صنعت کاغذ سازی)

ударник (работающий по-ударному) от ударный при помощи -ик-, (کارگر ممتاز)

ударник (часть затвора) от удар при помощи суффикса -ник- (بخشی از گلنگدن)

ب- مفروق: آنجا که سیمای املائی پایه‌ها یکسان نباشد. مانند واژه‌های کمند و کم‌اند در این بیت سعدی (البته اگر کم‌اند را جدا بنویسیم نه پیوسته):

هم خم از زلف پریشان تو زندان دلی است

تا نگویی که اسیران کمند تو کم‌اند

یعنی در چنین کلماتی، دو جزء مرکب‌اند. (تجلیل ۴۱) اما اختلاف در تکیه دارند.

و نمونه‌های دیگری از جناس مرکب مفروق در زبان فارسی:

وفا و جوانمرد و راستی است سه عادت که عین سعادت بود

چو همایی و نیست ظل هما جز دو زلف تو دام ظلهما

چنین جناسی در زبان روسی نیز وجود دارد، جایی که هر دو کلمه مرکب بوده، نوشتاری متفاوت دارند. این نوع جناس را می‌توان در بخش جناس لفظی نیز در زبان روسی مورد بررسی قرار داد. برای مثال:

Лет до ста расти нам без старости [stārāsti]

چنین جناس‌هایی که شیوه‌های پدید آمدن آن‌ها را می‌توان در نمونه‌های مختلفی از جناس‌های مورد بررسی قرار داد، یا به عبارت دیگر منابع متفاوتی برای ایجاد آنها وجود دارد، در زبان روسی یک نوعی و جناس‌هایی که فقط یک منبع دارند، چند نوعی نامیده می‌شوند. (پتکوویچ ۲۵)

ج- ملفق: زمانی که هر دو پایه مرکب باشند و صورت نوشتاری یکسانی داشته باشند:

خامی سوی پالیز جان، آمد که تا خربز خورد دیدی تو یا دید کس، کاندر جهان خر بز خورد

«مولوی»

بودم آن روز من از طایفه دردکشان که نه از تاک نشان بود و نه از تاک نشان

«جامی»

«تاک نشان» اول یعنی نشانی از تاک که مرکب از دو جزء مجزاست، اما «تاک نشان» دوم به معنی باغبان یا کسی که درخت تاک را می‌نشاند (نوروزی ۳۸).
در زبان روسی نیز چنین جناس‌هایی که از بن‌های یکسان از لحاظ نوشتار، اما متفاوت به لحاظ معنا، ساخته شده‌اند، وجود دارند. برای مثال:

خاردار (от колоть иглой) колкая трава

شکننده (от колоть дрова) колкий сахар

برخی، این گونه جناس‌های مقرون و مفروق و ملفق مرکب را در زبان فارسی جناس مرفو نیز می‌نامند (شمیسا ۴۰). اما برخی دیگر از این رو که جناس مرفو جزئی از رکن مرکب آن از واژه دیگری است که گویی به آن رفو زده‌اند، آن را از جناس مرکب جدا می‌کنند. (کزازی ۵۶) مثال:

چاره ما ساز که بی یاوریم گر تو برانی به که روی آوریم

«نظامی»

حرف «ی» در کلمه «روی» به کلمه «آوریم» رفو شده است و بدین ترتیب با واژه «یاوریم» تشکیل جناس مرفو داده است.

اما به طور کل یکی از دلایل عمده پدید آمدن کلمات جناس در زبان روسی به هنگام واژه‌سازی کلمات هم تکواژاند، یعنی تکواژهایی که به لحاظ آوایی با یکدیگر مطابقت دارند. در واقع تکواژها، تکواژه‌های متجانس‌اند. مثال:

толстовка (последовательница учения Л.Толстого и фасон блузы от слова «толстой» при помощи суффикса -овк-), (پیرو مکتب تولستوی و نوعی بلوز)،
[talstofka]

اما چنین تکواژهایی در زبان فارسی کمتر دیده می‌شوند و با نام تناسب از کاربرد این گونه واژه‌ها در زبان یاد میشود و بر دو نوع‌اند: جناس پسوند و جناس ریشه.

جناس پسوند: یکی از کلمات متجانس نسبت به دیگری در آخر، دارای تعداد واک‌های بیشتری است که آن واک‌ها در حکم پسوند و یا شبه پسوندند: غم / غمخوار، ناز / نازنین

جناس ریشه: دو واژه حداقل در دو یا سه صامت و یک مصوت (کوتاه یا بلند)

مشترک‌اند: ولی، والی، ولایت

با توجه به مثال‌های فوق می‌توان دریافت که این جناس ریشه، همان کلمات هم‌خانواده

در دستور است (شمیسا ۸۸).

با توجه به مثال‌های ذکر شده در بالا، چنین تکواژهایی که در نوشتار یکسان‌اند و در معنا متفاوت را در زبان روسی می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

омонимичные корни (ریشه‌های هم‌نام)

водянка (استسقا),
водянистый (آبکی),
водить (بردن، آوردن),
заводь (کوک کن),
заводила (به جایی دور برد),
газопровод (انتقال گاز),
подводник (زیر دریایی),
водитель (راننده),
проводник (راهنما)

омонимичные приставки (پیشوندهای هم‌نام)

оклеить (با چسباندن چیزی را پوشاندن),
оступиться (لغزش کردن),
обить (پوشاندن),
окупать (پول چیزی را در آوردن),
ослышаться (اشتباهی شنیدن),
осыпать (با ریختن چیزی را پوشاندن)

омонимичные суффиксы (پسوندهای هم‌نام)

пепельница (زیر سیگاری),
дачница (زنی که در بیلاق زندگی می‌کند),
салатница (ظرف سالاد),
чернильница (جا مرکبی),
работница (کارگر زن)
(لکانت ۱۵۸)

омонимичные окончания (پایانه‌های هم‌نام)

стена (پایانه مفرد مونث در حالت فاعلی),
говорила (پایانه فعل مفرد مونث در زمان گذشته),
комната (پایانه مفرد مونث در حالت فاعلی),
доктора́ (پایانه جمع در حالت فاعلی)

омонимичные постфиксы^۱

строиться (ساخته شدن) (فعل مجهول),
веселиться (با خوشحالی زمانی را گذراندن) (فعل انعکاسی),
смеркается (گرگ و میش می‌شود) (فعل بدون شخص بیان کننده وضعیت محیط),
хочется (می‌خواهد) (فعل بدون شخص بیان کننده احساس).

نتیجه

می‌توان گفت کلمات جناس در همه انواع خود به صورت اتفاقی پدید نیامده‌اند، اگر چه برخی از دانشمندان با این امر مخالفت داشته‌اند، اما به راحتی می‌توان با استدلال بر دلایل پدید آمدن جناس‌ها می‌توان اثبات کرد که این نوع کلمات، کلمات قانونمندی‌اند. بنا به نظر ماکوفسکی (Маковский) جناس‌ها قانون بی‌قانونی‌هایند یعنی اگر چه از پدیده‌های اتفاقی بوجود می‌آیند، اما خود پدیده‌ای کاملاً قانونمندی‌اند. (ماکوفسکی ۱۲)

می‌توان گفت که اگر وجود هر جفت جناس مشخص، توسط عملکرد هر گونه دلایلی (از آن جمله دلایلی که در این نوشته مورد بررسی قرار گرفت) که ویژه تاریخ این جفت جناس است، توضیح داده می‌شود، در این صورت جناس در زبان پدیده‌ای است که بی‌قانون پدید

۱- постфикс یکی از واژه‌هایی است که زبان‌شناسان هنوز معادل دقیقی برای آن نیافته‌اند، زیرا постфикс در واقع آخرین تکواژ است و جای آن پس از پسوند است. به همین دلیل ما نیز از ترجمه آن خودداری می‌کنیم. بنابراین تکواژهای یکسان می‌توانند معنای متفاوتی داشته باشند.

تغییرات اتفاقی‌ای که ناگزیر و به مرور زمان در زبان بوجود می‌آیند برای مثال به کار بردن حرف y به جای حرف غنه‌ای در کلمه лук به معنای تیر و کمان، سبب آن شده است که این کلمه با کلمه دیگر лук به معنای پیاز، دو پایه جناس را تشکیل دهند. در واقع اکثر عواملی که سبب پدید آمدن کلمات متجانس می‌شوند، همین پدیده‌های اتفاقی هستند که در مقاله نیز نمونه‌های دیگری از این گونه پدیده‌ها نشان داده شده است.

نیامده است، اگرچه بوجود آمدن جناس در اثر انطباق آوایی به لحاظ ماهیت، اتفاقی است. دانستن دلایل پدید آمدن واژه‌های متجانس به رفع مشکلات ترجمه کمک بزرگی می‌کنند، چرا که نداشتن تفاوت معنایی دو پایه جناس می‌تواند در هنگام ترجمه مشکل‌آفرین باشد.

دانشجویان یک زبان خارجی، زمانی که با پدیده‌ای در زبان خارجی مواجه می‌شوند که یک گونه ساختاری از زبان، معانی کاملاً متفاوتی را بیان می‌کند، در ترجمه دچار مشکل می‌شوند، در حالی که همین پدیده در زبان مادری آنها برایشان چندان جلب توجه نمی‌کند و حائز اهمیت نیست. اما با مقایسه این پدیده در زبان فارسی با یک زبان دیگر اهمیت آن و تفاوت‌های معنایی این نوع واژه‌ها مشخص‌تر می‌شوند.

Bibliography

- Belashapkava, V. A., E. G. Milaslafski. (1368/1989). *Savremenni Ruski Lazik* (Contemporary Russian Language). Moscow: Vishaia shkola Publications.
- Kazzazi, Mir Jalalodin. (1373/1952). *Zibashenasie Sokhane Parsi*, (The Aesthetics of Persian Speech). Vol. 3. Tehran: Markaz publications.
- Lebedava, U. G. (1365/1986). *Zvuki, Udarenie, Intonatsia* (Sounds, Stress, Intonation). Moscow: Ruski I zix publications.
- Lekant, P. A. Dibrova, YE.E. (1380/2001). *Savremenni Ruski Iazik* (Contemporary Russian Language). Moscow: Drofa publications.
- Makofsky, M. M. (1359/1980). *Nizakanamerinaia Zakanamernostu* (The Anarchy of Law). Moscow: Nauka Publications.
- Malakhofski, L. V. (1369/1990). *Teoria Lexicheskai i Gramaticheskai Omonymy* (The Theory of Lexical and Grammatical Homonym). Moscow: Nauka publications.
- Mohabbati, Mehdi. (1380/2001). *Badie No* (New Alliteration). Tehran: Sokhan Publications.
- Nikalenko, L. V. (1384/2005). *Lexikologia i Frazeologia Savremennava Ruskava Lazika* (Lexicology and Expressions of Contemporary Russian Language). Moscow: Academia.
- Nowruzi, Jahanbakhsh. (1378/1957). *Zivarhae Sokhan* (Embellishments of Speech). Shiraz: Rahgoshha publications.
- Ojegof, S. E. (1349/1960). *Slavar Ruskava Lazika* (Dictionary of Russian Language). Moscow: Savetskaia Ensiklapedia publications.

- Petkevich, L. A. (1387/2008). *Ruski Lazik. Ves Shkolni Kurs f Tablitsakh* (Russian Language. The Whole Course in Tables). Minsque: Savremennaia Shkola Publications.
- Reformatsky, A. A. *Vedenie v Iazikaznanie* (Basics of Linguistics). Moskow: Vishaia Shkola Publications.
- Rozental, D. E. (1387/2008). *Savremenny Ruski Laz ik* (Contemporary Russian Language). Moscow: vishaia Shkola Publications.
- Sazonava, E. K. (1342/1963). *Lexika i Frazzealogia Savremennava Ruskava Lazika* (Vocabulary and Expressions of Contemporary Russian Language). Moscow: Vishaia Shkola Publications.
- Shamisa, Sirus. (1372/1951). *Negahi Taze Be Badi* (A New Glance at Novelty). Tehran: Ferdows publications.
- Shmelef, D. N. (1385/2006). *Savremenni Ruski lazik. Lexika* (Contemporary Russian Language Vocabulary). Moscow: Kom kniga publications.
- Tajlil, Jalil. (1372/1993). *Jenas Dar Pahneie Adabe Farsi* (Homonym in Persian Language). Tehran: Arian Publications.